خدمت داوطلبانه در غسالخانه‌ها از برنامه‌های این روزهای گروه‌های جهادی است / عکس: برنا

گفت‌وگو با بانوان جهادی که این روزها غسل متوفیان کرونایی را به عهده گرفته‌اند

اسم ما را ننویسید!

لیلا شوقی
جامعه

از همان ابتدا می‌گویند اسم ما را ننویسید، فرقی هم ندارد چند سالشان باشد، ۱۸ سال یا این که نه ۳۶ یا ۴۰. دوست ندارند کارشان اسباب نمایش شود. حتی خیلی‌های‌شان، به خانواده و اعضای خانواده‌شان نگفته‌اند ساعت‌هایی که از کار روزانه فارغ می‌شوند، وقت خود را در سالن تطهیر بهشت زهرا(س) می‌گذرانند. کسانی که در روزهای سخت، راهی سالن تطهیر شده‌اند؛ درست زمانی که برخی خانواده‌ها به دلیل ابتلا به کرونا عزیزی را از دست داده‌اند اما برخی‌های‌شان از ترس ابتلا به کرونا به جسد عزیزشان نزدیک نمی‌شوند. اما این گروه از بانوان بی‌نام و نشان، فقط می‌خواهند خدمت کنند. زنانی که همه طلبه هستند و این روزها به جای نشستن پای درس احکام و بحث علمی و دینی در سالن‌های تطهیر، سرمشق کرامت انسانی می‌دهند به دیگران. شاید اولش برایشان سخت بود به جسد آلوده به کرونا دست بزنند، اما می‌گویند شرایط جنگی بود و نباید تعلل می‌کردیم، به همین دلیل از فروردین ماه، هر روز، در سالن‌های تطهیر حاضر می‌شوند و در روزهای سخت کرونایی، پیکر افرادی را که به دلیل ویروس کرونا جان خود را از دست داده‌اند، غسل می‌دهند. آنها بدون چشمداشت مالی، غسالی را یک وظیفه انسانی می‌دانند و معتقدند در هر جا و در هر زمینه‌ای به کمک‌شان نیاز باشد، از بسته‌بندی تا دوخت ماسک و حتی کمک بهیاری در بیمارستان‌ها حاضر به خدمت هستند. در ادامه با رئیس این گروه جهادی همراه شدیم. او که ۳۸ بهار را تجربه کرده و مادر سه فرزند است تمایل ندارد نامی از او برده شود به همین دلیل نام مستعار مریم را برای خود انتخاب می‌کند.

تصاویر سریع رد می‌شود از جلوی چشم‌ها. ساختمان آجری یک طبقه مجتمع عروجیان قبل از هر چیزی خود را نشان می‌دهد و بعد، راهرو باریک و سفید پیدا می‌شود. صداها محو به گوش می‌رسند و اکو دارند.

در این راهرو. یک نفر آرام صدایمان می‌کند. صدای شرشر آب، زیر صدای این اکو از ناکجاآباد است، بعد به یکباره پرده نایلونی کنار می‌رود و یک سالن بزرگ حدود ۱۲۰ متری خودش را می‌اندازد در قاب چشمان‌مان، تصویر و صدا برای لحظه‌ای می‌ایستد، انگار همه برای لحظه‌ای خشکشان زده باشد، ثانیه‌شمار ساعت‌دیواری هم کار نمی‌کند. بعد اما ثانیه‌شمار به حرکت می‌افتد و صدا دوباره شنیده می‌شود.

ده، دوازده سکوی سنگی و بتنی بلند که با موزاییک پوشانده شده، درپوش‌های تخلیه آب و پیکرهایی که روی سنگ‌ها خوابیده‌اند و زنانی که با لباس مخصوص، با کاورهای سفید و آبی و ماسک، مشغول شستن اموات هستند، مانند فیلمی، سریع از جلوی چشم‌ها می‌گذرد. بوی کافور و صدر تمام فضا را پر کرده است. اینجا سالن تطهیر بهشت زهرا (س) است.

بدون کرونا

ساعت تازه ۷ و ۳۰ دقیقه صبح است و هیچ کدام از اعضای گروه جهادی خانم‌های طلبه، نیامده‌اند. مریم اولین نفری است که خودش را به سالن رسانده و می‌گوید قبل از همه اعضای گروه باید در سالن حاضر شود تا فهرست اعضایی را که امروز در سالن حضور خواهند داشت، تهیه کند.

اعلام اسامی اعضای گروه، اولین کاری است که او هر روز صبح انجام می‌دهد. بعد اما به طرف خانمی که مسؤول سالن تطهیر است، می‌رود تا سنگ‌های شست‌وشو را که او و اعضای گروه باید از آنها استفاده کنند، مشخص کند. این که کدام یک از نیروها، دیر می‌رسد یا این که کارمندان سالن تطهیر به کمک نیاز دارند، در همین ساعات اول صبح مشخص می‌شود، در ادامه ساعات روز، کارها با همین برنامه‌ریزی اجرا می‌شود. ساعت ۸ که می‌رسد، اعضای گروه کم‌کم پیدایشان می‌شود.

سریع روپوش می‌پوشند، کاورهای سفید به تن می‌کنند، دستکش به دست می‌کنند و ماسک زده، سر سنگ‌های خود حاضر می‌شوند. سنگ‌ها یکی یکی پر می‌شود از میت و دختران جوان که در لباس خدمت، شیر آب باز می‌کنند برای شستن امواتی که خیلی از آنها به دلیل ابتلا به بیماری کرونا، جانشان را از دست داده‌اند.

از مریم می‌پرسیم نمی‌ترسد کرونا بگیرد؟ چشم‌هایش می‌خندد و می‌گوید که از اموات، کرونا منتقل نمی‌شود و از مقاله‌های سازمان جهانی بهداشت نقل می‌کند که اموات، ویروس کرونا را منتقل نمی‌کنند.

به جز این اما چند ماه پیش، سازمان بهشت زهرا(س) تحقیقی انجام داد و آبی را که با آن، اموات غسل و تطهیر شده بودند، آزمایش کرد. آزمایش نشان داد که هیچ ویروسی در آب وجود ندارد. مریم البته می‌گوید که پیش از این هم اعضای گروه، دل را به دریا زده بودند و بدون ترس از ابتلا خدمات‌رسانی می‌کردند. هرچند چهار نفر از اعضای گروه به ویروس مبتلا شده‌اند.

مریم تاکید می‌کند آنها نه در غسالخانه که در بیرون از این محیط یا در محیط کار به دلیل رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی، بیمار شده‌اند.

عبور از ترس

با پارچه سفید پیکر زن جوان را می‌پوشانند، دست‌ها سریع و تند، بندهای کفن را می‌بندد و بعد، میت کفن شده را می‌گذارند روی تختی که چرخ دارد. روی میت، برچسب و مشخصات می‌گذارند. تخت را می‌برند بیرون از سالن تطهیر؛ میت آماده است تا در خاک آرام بگیرد. آرامش را می‌توان در صورت اعضای گروه جهادی دید، همه شان انگار زیر لب ذکر می‌گویند. حالا باید منتظر باشیم تا خم به ابرو بیاورند یا این که نه، گریه کنند، یکی‌شان اما شوخی می‌کند و همه می‌خندند از این شوخی و می‌روند سراغ میت‌های دیگری که روی سنگ‌ها منتظر شست‌وشو و غسل و کفن هستند.

مریم می‌گوید فشار کار زیاد است و اگر شوخی نکنند، نمی‌توانند کار را به جلو ببرند. سوال اما این است که همه اعضای گروه، از همان اول، این قدر راحت و بیخیال بودند؟ یعنی آنها از میت نمی‌ترسند؟ جواب‌ها غیرمنتظره است.

برای فاطمه فرقی نمی‌کند به میت دست بزند یا به یک فرد زنده، او دل شیر دارد و نمی‌ترسد. هانیه اما می‌گوید روز اولی که وارد سالن شد، ترسیده بود. جو سنگین و بوی کافور و سدر، تمام مشامش را پر کرده بود. بعد اما سریع خودش را جمع و جور کرد و یادش آمد برای چه به اینجا آمده است؛ برای این که باری از روی دوش خلق‌ا... بردارد.

مریم می‌گوید اصلا یکی از شرط‌های حضور در سالن تطهیر و همراهی با گروه، نترس بودن است. می‌گوید خودش هم در ساعات اولیه حضورش، ترسیده بود. با این که پیش از این، میت را از نزدیک دیده و حتی از پشت پنجره، شاهد غسل و تطهیر دوستان یا اعضای خانواده‌اش بوده اما حضور در سالن تطهیر، زانوهایش را لرزانده است.

۱۰ ماه غسالی

داستان همراهی این گروه اما از کجا شروع شد؟ مریم می‌گوید که ۱۶ فروردین ماه رئیس حوزه علمیه الزهرا(س) با او تماس گرفت و خواست با او و گروه جهادی که برای کمک به غسل و تطهیر اموات تشکیل شده بود، همراه شود. مریم سریع قبول می‌کند و با گروه همراه می‌شود. آن زمان، رهبر معظم انقلاب از طلاب خواسته بود که برای غسل و تطهیر اموات کمک کنند.

مریم می‌گوید که یکی دو روزی را در یکی از بیمارستان‌های شهر و در سالن سردخانه آنجا، آداب غسل و تطهیر را می‌آموزد و بعد به‌عنوان سرپرست گروه به سالن تطهیر می‌آید. او می‌گوید که روزهای اول حضورش همه چیز شبیه جنگ بود.

همه آشفته بودند و آمار افرادی که به‌خاطر ابتلا به بیماری کرونا جان خود را از دست داده بودند، زیاد بود. روزهای اول قرار نبود که مریم اموات را تطهیر کند، شرایط اما باعث می‌شود او هم وارد میدان شود. مریم می‌گوید خیلی از روزها، تعداد اموات زیاد بود، روزهایی بوده که شاید حتی ۳۰ میت را غسل داده است. او آمار دقیقی ندارد اما فکر می‌کند که تا به حال صدها میت را غسل داده باشد.

او می‌گوید که از اول بوده و تا زمانی که ویروس هم شایع باشد، در لباس خدمت، کار خواهد کرد. جمله مریم که تمام می‌شود، اعضای گروه سر تکان می‌دهند و او را تایید می‌کنند. از پشت ماسک هم می‌توان برق اشتیاق خدمت را در چشمان‌شان دید.

صدای اذان می‌پیچد در سال تطهیر. اعضای گروه، خود را آماده می‌کنند تا به نوبت نماز بخوانند و ناهار بخورند، باید سریع برگردند، پیکرهای زیادی منتظر غسل و تطهیر است.

صبورتر شدم

زندگی +

مریم می‌گوید کار در سالن تطهیر روی او خیلی تاثیر داشته است. نه این‌که افسرده شده باشد، بلکه دنیا برایش بی‌ارزش شده. او می‌گوید که صبرش هم بیشتر شده است و دیگر از دست کسی یا چیزی ناراحت نمی‌شود. به نظر مریم زندگی آن‌قدرها هم ارزش ندارد.

با هر شرایط اقتصادی، زیبایی ظاهری و با هر سبک زندگی در آخر خوابیدن روی سنگ غسالخانه پایان زندگی همه است. بنابراین دنیا برایش این‌قدر بی‌ارزش است که دیگر حاضر نیست به‌خاطرش ناراحت یا افسرده شود. او می‌گوید که تنها تغییرش همین بوده وگرنه همان زن شوخ و پرجنب‌وجوشی که قبل از این بوده، است و تغییر اساسی از نظر روحی یا رفتاری نکرده و همچنان با همان اشتیاق به فرزندانش می‌رسد و زندگی می‌کند.

مردان همیشه در میدان

این‌طور نیست که تنها خانم‌های طلبه در میدان عمل حضور داشته باشند. به گفته حسن مرادی، طلبه حوزه علمیه امام خمینی(ره)، دیگر روحانیون هم مدت‌هاست برای خدمت‌رسانی وارد عمل شده‌اند. از همان روزهای اول شیوع ویروس کرونا از اسفندماه سال گذشته استادان و طلبه‌های جوان این حوزه علمیه وارد میدان عمل شدند. آن زمان که بیمارستان‌های کشور در شرایط عجیبی به سر می‌برد، آنها یک مسابقه نقاشی با هدف بالابردن امید راه انداختند و از کودکان خواستند تا برای کادر درمان نقاشی بکشند. نقاشی‌هایی که روی بسته‌های که به کادر درمان هدیه می‌شد، چسبانده شد تا به کادر درمان پیام دهند مردم با شما هستند. پیامی که به ۲۸ بیمارستان رسانده شد. کمی بعد یعنی از ۱۶ فروردین آنها به غسالخانه‌ها رفتند و در کنار پرسنل بهشت زهرا(س) غسل و تطهیر اموات را انجام دادند. ۱۵۰ طلبه آقا روزانه در غسالخانه بهشت زهرا(س) حضور پیدا می‌کنند.

خدمت در بهشت زهرا(س) باعث نشد که آنها برنامه‌های دیگری در محله حوزه علمیه، در محله ازگل انجام ندهند. از زمانی که عنوان شد در پمپ بنزین‌ها ویروس کرونا بیشتر شایع و خطر ابتلا بالاست، اعضای گروه، در دو پمپ بنزین حاضر شدند و به‌جای راننده‌ها بنزین زدند. کاری که بعد از آن، الگویی شد تا دیگر گروه‌های جهادی آن را در پمپ بنزین‌های دیگر هم اجرا کنند.

حضور در محله و تشویق مردم به ماسک زدن و تذکر برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی در نانوایی‌ها، میدان‌های تره‌بار و فروشگاه‌ها از کارهای دیگری بود که آنها انجام داده‌اند.

خرید برای سالمندان محل و کمک برای تامین مایحتاج آنها، هدیه اسباب‌بازی و تشویق کودکان محله برای در خانه ماندن به‌جای این که در بیرون از خانه بازی کنند از کارهایی است که آنها انجام دادند. تهیه ماسک برای کودکان‌کار و ضدعفونی کردن معابر و خیابان‌های محل باعث شد تا آنها قدم‌های مؤثری برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا بردارند.

در ایام فاطمیه اما آنها برنامه‌های متنوع دیگری انجام داده‌اند. ترویج برگزاری روضه خانگی و کمک برای راه‌اندازی روضه‌های خانگی از برنامه‌های دیگر آنها بود.

ایجاد ایستگاه صلواتی نیز در دستور کار آنهاست. اعضای گروه در ایستگاه‌های صلواتی ماسک توزیع می‌کنند و به مردم راه‌های پیشگیری از ابتلا به کرونا را آموزش می‌دهند.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#ترخیص_موتور

شکوری از تهران:

ظاهرش این است که طرح ترخیص موتورسیکلت‌هایی که مدت‌های زیادی در پارکینگ مانده‌اند با شرایط آسان و اقساط جریمه‌ها اجرایی شده اما مراحل اداری و دوندگی‌های آن خیلی زیاد و زمانبر است. بهتر نبود در این شرایط کرونایی، تمام این مراحل اداری یا حتی پرداخت جریمه‌ها به‌صورت مجازی صورت می‌گرفت تا هم در زمان متقاضیان صرفه‌جویی می‌شد و هم انبوه جمعیت در ادارات کاهش پیدا می‌کرد؟

#هزینه_اجباری

شهروندی از تهران:

مدرسه دخترم در منطقه ۲ تهران به بهانه تعمیر سقف مدرسه از هر دانش‌آموز ۲۵۰ هزار تومان خواسته است. از آنجایی که برخی خانواده‌ها مخالف پرداخت این مبلغ هستند، مدیر مدرسه، تحویل کارنامه به خانواده‌ها را منوط به پرداخت این مبلغ کرده است. چرا وزارت آموزش و پرورش نظارتی بر این اوضاع ندارد؟

#تدریس_آنلاین

نظری از اصفهان:

خوگرفتن معلم‌های مسن با آموزش آنلاین پروسه سختی بود که تا حدودی و با گذشت چند ماه از سال تحصیلی انجام شد اما مدیران مدرسه هر روز ایده تازه‌ای برای کارنامه‌دادن و ارائه فعالیت‌های پرورشی و... به صورت آنلاین و با روش‌های نوین دارند که واقعا از توان چنین معلمانی با سابقه طولانی و نزدیک به سن بازنشستگی خارج است. بهتر نیست در چنین شرایطی هرچه سریعتر به فکر استخدام نیروهای تازه و جوان برای تدریس و آموزش به دانش‌آموزان باشیم؟

#هوای_اهواز

کامرانی از اهواز:

آقایان مسؤول به خدا ایران فقط تهران نیست. همین که موضوع آلودگی هوای تهران حل شد همه فراموش کردند این موضوع را که خوزستان مدت‌هاست در تمام سال با مشکل آلودگی هوا و گرد و غبار دست به گریبان است. صدای ما را هم بشنوید. آب شرب شهر اهواز بسیار آلوده و شور است؛ آنقدر که دستگاه‌های تصفیه آب به‌دلیل کارکرد مداوم همیشه خراب است.

#شهرک_آزمایش

صالحی از تهران:

شهرک گل‌ها واقع در منطقه ۱۴ در اتوبان محلاتی شده است محل جولان خودروهای تعلیم رانندگی؛ ساعتی از روز نیست که کمتر از ۳۰ خودرو در این شهرک حضور نداشته باشد. بسیاری از صاحبان خودروهای ساکنان به‌واسطه حضور خودروهای تعلیم رانندگی بد پارک می‌کنند تا مانعی باشند برای برخورد احتمالی. گوش کسی هم بدهکار نیست که این شهرک مسکونی است و نه شهرک آزمایش.